

پارا

ریحانه سیری



به نام خالق هستی

یارا

تألیف:

ریحانه سیری



انتشارات موجک



سرشناسه: سیری، ریحانه، ۱۳۵۱ -

عنوان و نام پدید آور: یارا/ ریحانه سیری؛ ویراستار سروش ملت پرست.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات موجک، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۸۹ ص.

شابک: ۹-۰۳۴-۹۹۴-۶۰۰-۹۷۸، ۸۱۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- 20th century

موضوع: شعر سپید -- قرن ۱۴

موضوع: Blank verse -- 20th century

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ی ۲ ی ۴۵ / PIR ۸۳۴۸

رده بندی دیویی: ۱/۶۲ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۷۲۷۹۳

انتشارات موجک



تلگرام: ۰۹۰۱۷۶۷۲۵۰۲-۰۹۳۶۳۰۳۱۲۵۸ کانال: telegram.me/mojak1

تلفن مرکز پخش: ۰۲۶۳۲۴۰۳۵۱۶ - ۰۲۶۳۲۴۰۳۵۱۳ - ۰۲۱۶۶۱۲۷۵۹۳

ایمیل: mojakpublication@yahoo.com

سایت: www.mojak.ir

عنوان: یارا

تألیف: ریحانه سیری

ویراستار: سروش ملت پرست

طراح جلد: سیده زهرا روشنایی

مشخصات ظاهری: ۳۸۹ صفحه، قطع رقعی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۹، تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۸۱۰۰۰۰ ریال، شابک: ۹-۰۳۴-۹۹۴-۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای انتشارات موجک محفوظ است. هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق چاپ و تکثیر این اثر را به هر شکل و صورت اعم از فتوکپی، چاپ کتاب و ... را ندارد. متخلفین به موجب بند ۵ ماده قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

تقدیم به

دختر عزیزتر از جانم، هستی و همسرم که چتر مهربانی‌اش، سایه‌سار زندگی‌ام می‌باشد. آنان که اسوه صبر و تحمل بوده‌اند و مشکلات مسیر را در این راه برایم تسهیل نمودند و با عشق پذیرای تمام کاستی‌های من برای رسیدن به اهدافم بوده‌اند، که از نگاهشان صلابت و از رفتارشان محبت و از صبرشان ایستادگی آموختم.

هدیه به

زیر خاکستریِ آسمانِ شهر، قطعه‌ای از سرزمینِ گمشده مهربانی را یافته‌ام به نام آسایشگاه فرشته‌های نازنین که سرای اهل بهشت است.

خاضعانه تمام عشق‌ام را، به پیشگاه بلند گردانندگان و فواید حاصل از فروش این اثر را که حاصل دل‌کردن‌های یک روح بی‌آرام است، تقدیم ساکنان این سرای آسمانی می‌کنم؛ فرشتگانی که از ذهن و جسم بیمارند اما صداقت، سادگی و معصومیت در نگاه‌شان و مهربانی در صمیمیت رفتارهایشان، موج می‌زند.

با احترام

ریحانه سیری

تابستان ۹۹

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه ۱

بخش اول: عاطفی - عاشقانه ۳

بخش دوم: رمانتیک ۲۴۱

بخش سوم: معناگرا ۲۹۷

بخش چهارم: اجتماعی ۳۶۳

مقدمه

هنر، تراوش یک روح بی‌قرار است که در قفس تنگ جسم، سر به دیوار می‌کوبد و از بلندای محدود یک زندگی تاریک، روزنه‌ای به آفتاب درخشان عشق و ارادت و دوست داشتن می‌گشاید، پنجره‌ای به سمت آن سرزمین رویایی که در خاطرات سال‌های دورادور، آسمانش به رنگ آشنایی و زمینش سبز و هوایش آکنده از عطر خوب مهربانی است.

هر چند جلوه‌های هنر متعدد است، اما شعر، شاید گویاترین، آشناترین و خوشایندترین جلوه این بی‌قراری‌ها، برای توصیف و تصویر زندگی بر گونه آنچه باید باشد و نیست، از عمومیت بیشتری برخوردار است.

شعر گفتن برای من، نه به مثابه معماری کلمات و چیدمان وزنی افعال و واژه‌ها و حروف، بلکه فرصتی برای بیرون راندن آنچه بر دلم سنگینی می‌کند و در جستجوی تولدی دوباره در سرزمینی است که هرگز، به بودن و ماندن و ماندگاری در آن، عادت نکردم.

آنچه در پس این کلمات می‌آید، جلوه‌های عشق مادری است به هستی، دردانه دخترش و سپاس و تقدیر صمیمانه یک زن از همسرش و گاهاً دلخوری‌های یک انسان، از نگاه متحجرانه جامعه به جنسیت‌اش و شاید نصایحی هر چند کوتاه، برای مبارزه، ماندن، بودن و ساختن جامعه‌ای که در بستر آن، عشق بروید و به بار بنشیند و گل کند. هر چند این کلمات شاید، از

هیچ قالب شعری، از غزل و قصیده و مثنوی و رباعی و ... گرفته تا سپید و نیمایی و ... تبعیت نکند اما صاحب این اثر که هرگز ادعای شاعری نکرده است، باور دارد که آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

بخش اول

عاطفی - عاشقانه

بیاید کمی بیشتر مهربان باشیم
ما جان هر کسی را به یک شکل می گیریم
باور کنید کشتن که فقط با تفنگ و گلوله و تصادف نیست
ما بعضی ها را با حرف هایمان می کشیم
و بعضی ها را با نقاب بی تفاوتی ها و بی مهری ها
با ندیدن ها و نشنیدن ها
که بدتر از صد مرگ با گلوله است
من نامش را گذاشته ام
«مرگ تدریجی»
که کم کم آن فرد از درون ویران می شود
از درون آب می شود
از درون می سوزد
از درون ذوب می شود
از درون ...
می دانید قشنگ ترین جای زندگی کجاست؟

آنجا که به دلتان فرصت مهربانی بدهید

امشب در خیال تو محو تماشای ستارگان شهر شدم
 به ناگاه ستاره‌ای با طنازی من را مهمان چشمان زیبای خود کرد
 هوش از سرم برد
 تن و دستم لرزید
 تا صبح به او خیره شدم
 او دلبری کرد
 با طلوع آفتاب دلبر ناپدید شد
 من ماندم حیران و سرگردان چشمان زیبای تو
 این است روزگار آدمیان تهی از انسانیت سرزمین من
 شب با تو
 روز با من
 شب با تو
 روز با من
 شب با

حال که رفتی
 دیگر دلم را راهی راهیاد تو نخواهم کرد
 اگر حتی صحرائنشین تو شود

خسته از همه آدم‌های زمینی‌ام

مهربان که باشی
خورشید را در آغوش گرفته‌ای
و هر صبح
با لبخند مهربانت
دیوارهای احساس را زیباتر می‌سازی
زندگی مگر چیست
جز لبخند و مهربانی
و این‌گونه است که زندگی زیبا می‌شود



انتشارات موجک

ISBN: 978-600-994-034-9



786009

940349